



نقش من در اقتصاد مقاومتی (مقصر کیست؟)

حدود چهار سال از طرح موضوع « اقتصاد مقاومتی » به عنوان یک ضرورت اساسی برای کشور می‌گذرد. رویکردی که با توجه به شرایط خصومت‌های خارجی بر علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی، نه تنها حفظ استقلال اقتصادی کشور، بلکه به تبع آن استقلال سیاسی کشور به آن وابسته است

حدود چهار سال از طرح موضوع « اقتصاد مقاومتی » به عنوان یک ضرورت اساسی برای کشور می‌گذرد. رویکردی که با توجه به شرایط خصومت‌های خارجی بر علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی، نه تنها حفظ استقلال اقتصادی کشور، بلکه به تبع آن استقلال سیاسی کشور به آن وابسته است اما آنچه تاکنون در عمل واقع شده است، نمی‌تواند حرکتی درخور توجه به سمت اقتصاد مقاومتی باشد و یا حداقل می‌توان گفت سرعت این حرکت به هیچ وجه متناسب با شرایط خصومت‌های خارجی و شرایط منطقه‌ای و جهان اسلام که به تعبیر رهبری، «پیچ تاریخی» که ما در آن قرار داریم، نیست.

مقصر کیست؟



کانون تربیت و اقتصاد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

سؤال اینجاست که چرا این خواست رهبری و به تعبیر بهتر دستور فرمانده کل قوا در شرایط «جنگ اقتصادی» اجرایی نشده است؟ پاسخ‌های احتمالی این است؛

- متأسفانه دولتمردان و نمایندگان مجلس و به‌طور کلی مسئولین کشور، اقدام مؤثری در این زمینه انجام نمی‌دهند. حتی بعد از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم کاری نکرده‌اند. در حالت خوش‌بینانه شاید به این دلیل که اهمیت آن را درک نکرده‌اند.
- این توقع از مردم که در این شرایط اقتصادی، باز هم بر خود سخت بگیرند و قناعت بورزند، توقع به‌جایی نیست. وقتی خود مسئولین در رفاه کامل هستند، چه توقعی از مردم دارید؟
- در جامعه هرکسی به فکر نفع خودش است و هیچ‌کس به فکر دیگری نیست. وقتی همه به فکر خودشان هستند، چه‌طور می‌شود انتظار داشت که مردم به فکر اقتصاد کشور و انقلاب باشند؟
- ...

و آن پاسخی که جای آن خالی است، این پرسش از خود است که نقش من در این عرصه چیست؟ در این چهارسال که گذشت، آیا کاری در این زمینه می‌توانستم بکنم؟ من تا چه اندازه می‌توانم در این عرصه تأثیرگذار باشم؟

در این یادداشت و یادداشت‌های آینده، به این مسأله خواهیم پرداخت که نقش هریک از ما به عنوان یک دانش‌آموز و یا یک دانشجوی و یا یک خانم خانه‌دار و غیره، در زمینه اقتصاد مقاومتی چه می‌تواند باشد و به چه میزان می‌توانیم تأثیرگذار باشیم؟

جنگ تحمیلی نظامی و جنگ تحمیلی اقتصادی

شهریورماه سال ۱۳۵۹ کشور عراق به پشتیبانی جبهه استکبار و در رأس آن آمریکا، به‌طور رسمی تجاوز به مرزهای ایران اسلامی را آغاز کرد و جنگی هشت‌ساله را بر مردم ما تحمیل نمود. امام خمینی(ره) بلافاصله بعد از آغاز تجاوز رژیم



کانون تربیت و اقتصاد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

بعثی از دولتمردان و ملت خواست که به جبهه‌های نبرد بشتابند و صف مقاومت را تشکیل دهند. اما آنچه در این صحنه رُخ‌نمایی کرد، حضور حداکثری مردم در غالب بسیج مردمی در جبهه‌های نبرد بود به گونه‌ای که به هیچ‌وجه نیروهای نظامی دولتی مانند ارتش و حتی سپاه (که در اوایل تأسیس تا حد زیادی یک نیروی نظامی مردمی بود)، نمی‌توانستند بدون حضور مردم کاری از پیش ببرند.

در آن زمان هیچ‌یک از کسانی که در جبهه‌ها حضور یافتند و یا فرزندان خود را اعزام کردند، چنین بحث‌هایی را مطرح نکردند؛

- وقتی برخی مسئولین فرزندان خود را به خارج از کشور فرستاده‌اند، چرا ما فرزندان خود را در معرض خطر قرار دهیم؟
- در این آشفتگی بعد از انقلاب و شرایط سخت اقتصادی و صف‌های طولانی برای تهیه مایحتاج زندگی، توقع این‌که مردم خانه و زندگی خود را رها کنند و به جنگ بروند، توقع به جایی نیست.
- وقتی همه به فکر خودشان و کسب درآمد و نفع خود هستند، چرا ما به جنگ برویم؟
- حالا من یا فرزند من به جبهه برویم یا نرویم، چه میزان می‌توانیم اثرگذار باشیم؟

اگر در سال‌های ۵۹ تا ۶۷ مردم بر مبنای این تفکرات عمل کرده‌بودند، احتمالاً امروز انقلاب اسلامی هنوز بر جای و استوار نبود و یا حداقل بخش‌های قابل‌توجهی از کشور خود را از دست داده بودیم. اما اگرچه مسئولین شرایط جنگی را درک کرده‌بودند و تلاش می‌کردند اما نقش اصلی را مردم ایفا کردند.

امروز کشور ما در چه شرایطی است؟ آیا شرایط صلح است و نیازی به جهاد مردمی و نقش‌آفرینی حداکثری مردم نیست؟ به تعبیر رهبر معظم انقلاب و فرمانده کل قوا، ما در یک «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» هستیم و فرمان «جهاد اقتصادی» صادر شده‌است. چه تفاوتی میان جنگ نظامی و جنگ اقتصادی است؟ با نگاهی به چند سال گذشته که جنگ اقتصادی در آن شدت گرفته‌است، روشن می‌شود که آسیب‌پذیری و تلفات ما در جنگ اقتصادی به مراتب بیشتر از جنگ نظامی بوده‌است؟ آیا از روزی که فرمان جهاد در عرصه اقتصاد صادر شده‌است ما در نقش یک جهادگر



ظاهر شده‌ایم. با این تفاسیر و بعد از اندکی تفکر، بار دیگر مروری بر پاسخ‌های پرسش «مقصر کیست؟»، داشته‌باشیم و بار دیگر از خود بپرسیم، «نقش من در عرصه اقتصاد مقاومتی چیست؟».

در یادداشت‌های بعد ان‌شاء... در مورد این نقش و عرصه‌های جهاد اقتصادی و شدت تأثیرگذاری هریک از ما در این عرصه، بحث خواهیم نمود.

